

الله أكبر
محمد وآله



فرموده‌های

سیداحمدالحسن یمانی (ع)

در مورد آیه اکمال دین در

مورخ

۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

«کاری از موسسه علمی فرهنگی وارثین ملکوت»



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليما كثيرا

سلام عليكم و رحمت الله و بركاته

از مدیریت همایش هفتگی دانشکده پژوهش‌های عالی دینی و لغوی و از حضار محترم و شنوندگان تشکر و قدردانی می‌کنم.

خداوند رحمت خویش را شامل کسانی گرداند که وقتی به سخن گوش فرا می‌دهند، درک کرده و از حق موجود در آن پیروی نمایند هر چند آن برخلاف هوای نفسانی خود و آن چه که نزد پدران و بزرگان خود یافته‌اند، باشد.

موضوع امروز ما آیهی اکمال دین است.

خداوند متعال می‌فرماید: (حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيخَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَنَفِسُوا بِالْأَنْزَامِ ذَلِكَمْ فِسْقُ الْيَوْمِ يَسُسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمِهِ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.)

(گوشت مردار، و خون، و گوشت خوک، و حیواناتی که به غیر نام خدا ذبح شوند، و حیوانات خفه شده، و به زجر کشته شده، و آن‌ها که بر اثر پرت شدن از بلندی بمیرند، و آن‌ها که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشند، و باقی‌مانده صید حیوان درنده - مگر آن که آن را سر ببرید - و حیواناتی که روی بت‌ها (یا در برابر آن‌ها) ذبح می‌شوند، بر شما حرام شده است؛ و (هم‌چنین) قسمت کردن گوشت حیوان به وسیله چوبه‌های تیر مخصوص بخت آزمایی؛ تمام این اعمال، فسق و گناه است - امروز، کافران از (زوال) آیین شما، مأیوس شدند؛ بنا بر این، از آن‌ها نترسید! و از من بترسید! امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما قرار دادم - اما آن‌ها که در حال گرسنگی، دست‌شان به غذای دیگری نرسد، و متمایل به گناه نباشند، (مانعی ندارد که از گوشت‌های ممنوع بخورند؛ خداوند، آمرزنده و مهربان است.)

بر حسب این آیه، آن چه کامل شده دین است و دین همان شریعت و عقیده است و سخن در عدم کامل شدن هر یک از آن‌ها با ظاهر آیه در تعارض است؛ همان‌گونه که عدم کامل بودن هر کدام از آن‌ها در واقع و در نگرش هر یک از طوائف اسلامی بدین معناست که آن طائفه بر حق نیست؛ چون وضعیت احوال آن‌ها با ظاهر روشن قرآن مخالف است.

سلفی‌ها یا وهابیان و به طور عموم اهل سنت، در گذشته و حال، بدون داشتن نص از معصوم در بسیاری از حوادث و رویدادهای جدید زندگی که نیاز به حکم تعبّدی دارند، از خود حکم شرعی صادر می‌کنند - مانند نماز در مناطق نزدیک

به قطب- که در نهایت امر واقعیت احوال آن‌ها حاکی از آن است که دین نزد آن‌ها کامل نیست و به همین سبب ناچار شدند به هنگام نبود نص، طبق آراء و نظرات خود تشریح نمایند؛ همان‌طور که آن‌ها نیز در عقیده میان خود اختلاف زیادی دارند؛ مثلاً سلفی‌ها یا وهابیان به وجود دو چشم و دو دست و انگشت حقیقی برای خداوند معتقد هستند. و اشاعره هم چون اشاعره‌ی اُزهر به این معتقد نیستند. بلکه اعتقاد دارند که اعتقادات سلفی‌ها یا وهابیان باطل است...

اما نزد خاندان محمد (درود خداوند بر ایشان باد) دین با تنصیب خلیفه‌ی الهی کامل می‌شود، جائی که ایشان (صلی الله علیه و آله) بیان عقیده‌ی درست و تشریح به امر خدا را بر عهده می‌گیرند و در نتیجه هیچ شکاف و تناقضی میان این عقیده و ظاهر آیه اکمال دین دیده نمی‌شود.

بنا بر این دین با تنصیب سخن‌گو از طرف خداوند یا خلیفه خدا بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) کامل می‌شود و بدین وسیله دین از لحاظ عقیده و تشریح کامل می‌گردد، و هیچ شکافی در چنین دینی یافت نمی‌شود که فقهای غیر معصوم با آراء و هوی نفسانی خود آن را کامل کنند، درست همانند حال و وضع اعتقاد اهل سنت که با ظاهر آیه در تعارض است.

اما درباره‌ی مسئله‌ی غیبت معصوم، ما می‌گوییم که: غائب شدن معصوم عبارت از غائب کردن است؛ به دلیل عدم وجود پذیرنده و پروژه الهی ایشان -به همان شکلی که باید باشد؛ نه همان‌گونه که منتظران نظریه‌پرداز آن را فرض می‌کنند و در خیال خود می‌پروراند- در نتیجه هیچ تعارضی بین این عقیده و بین ظاهر آیه‌ی اکمال دین وجود ندارد.

آری، تعارض با آیه‌ی اکمال دین نزد کسانی است که اعتقاد بر این دارند که معصوم غائب شده و تشریح را رها نموده تا فقهای غیر معصوم داوطلب شوند و با نظرات خود در دین الهی و در حوادث و رویدادهای زمانه حکم شرعی صادر نمایند، سپس مشکلات را دوچندان کرده و عقیده و وجوب تقلید از غیر معصوم و نیابت از معصوم را بر مؤمنان تحمیل نمایند.

در حقیقت راهی برای توافق با ظاهر آیه اکمال دین وجود ندارد؛ مگر آن‌چه به آن قائل هستیم و اعتقاد داریم که:

دین با تنصیب خلفای خدا بعد از رسول الله (صلی الله علیه و آله) و کسانی که تشریح می‌کنند و آن را از خدا به مردم می‌رسانند، کامل گردید.

و این که امام به علت عدم وجود پذیرنده، غیبت کردند.

و این که زمان قبل از ظهور مهدی اول که در وصیت رسول‌الله ذکر شده‌اند، همان بازه زمانی است که مردم در این برهه‌ی زمانی، موقوف به فرمان خدایند و استحقاق دریافت ثواب را ندارند. بلکه به واسطه رحمت خداوند پاداش می‌گیرند.

بنابراین آیه، باطل بودن هر راه و مَنشی همانند منشی سنی یا سلفی وهابی را ثابت می‌کند که قائل به جواز فارغ بودن زمان از خلیفه خدا می‌باشد.

و همچنین بطلان هر راه و مَنشی را ثابت می‌کند که قائل به غیبت معصوم بدون تقصیر و کوتاهی اُمت و عدم وجود پذیرنده می‌باشند.

پس آیه‌ی با این روش‌ها متعارض است.

در حقیقت دین نزد آنان -و بر حسب واقعیت عملی آنان- دین با تنصیب خلیفه‌ی خدا که از جانب خدا برگزیده می‌شود و یا افرادی همانند سفراء که برای ارتباط با مردم انتخاب می‌شوند، کامل نشده است. بلکه نزد آنان کامل‌کننده دین فقهایی غیر معصوم هستند که داوطلبانه و کودکوارانه در برهه‌ای از زمان با ظن و گمان به تشریح بپردازند و احکامی را ارائه نمایند که خود قائل به عدم درستی آن‌ها با احکام واقعی خداوند هستند.

و در نهایت امر، خود اقرار می‌نمایند که دین نزد آن‌ها -و بر حسب باورهای شان- ناقص بوده و کامل نشده است.

و متعاقباً خود آنان، بدون این که بدانند اقرار می‌کنند که باورهای عقائدی آن‌ها با آیه‌ی اکمال دین در تعارض است.

در این جا باید به امر بسیار مهمی توجه نمود:

و آن این که هر دو راه و روش، تقصیر را به خدا و خلیفه‌ی او یا امام معصوم می‌اندازند، جایی که آن‌ها خیال می‌کنند که خداوند متعال دین را به آنان واگذار نموده تا در هر رویدادی که بدان نیاز و احتیاج دارند، احکام شرعی صادر نمایند. پس به جای این که اقرار به تقصیر خود نمایند -زیرا که آنان از قبول خلیفه خداوند یا نائب ایشان امتناع می‌ورزند- فرض بر این گذاشته‌اند که خداوند متعال دین را برای افرادی غیر معصوم و منصوب‌نشده از جانب معصوم، واگذار نموده تا هر کدام از آن‌ها با رأی و نظر خود و بدون داشتن هر گونه حکم شرعی، تشریح نمایند.

این در حقیقت طعنه‌زدن آشکار به حکمت الهی است، اضافه بر آن -همان‌طور که بیان شد- با فرموده خداوند سبحان مبنی بر کامل شدن دین در تعارض است.

بنا بر این، بیان مختصر را در نکات زیر خلاصه می‌کنیم:

- همانا راه و روشی وجود دارد که به خالی شدن زمین از حجت الهی معتقد است؛ مانند، روش سنی یا سلفی که آن راه و روش، با ظاهر نص قرآنی و از جمله آیه‌ی اکمال دین تعارض دارد؛ همان‌گونه که قبلاً بیان شد.
- اما روش دیگر، اقرار می‌کند که زمان از حجت الهی خالی نمی‌گردد. اما این حجت با وجود پذیرنده ممکن است غائب شود؛ بدون این که کسی را تنصیب و تعیین کند تا عیناً به جای او باشد تا این نائب، حکم واقعی خدا را به مردم برساند، و در نتیجه این نقص در دین را فقهایی پُر می‌کنند که از طرف حجت خدا تعیین نشده و خود داوطلب شده‌اند، که تعارض این روش با آیه‌ی اکمال دین واضح و روشن است. و بر حسب واقع احوال‌شان، خداوند دین را کامل نکرده است به همین دلیل راه‌حل نزد آنان این است که فقهائی به ناحق که هیچ‌گونه نصی مشخص بر آن‌ها وجود ندارد، برای پُر کردن این نقص با احکام و فتواهایی که هیچ ارتباطی با حکم واقعی خداوند ندارند، داوطلب شوند که در حقیقت این روش با روش قبلی چندان تفاوتی ندارد و هر دو با آیه اکمال دین در تعارض‌اند.

- اما روش سوم - که ما آن را مطرح کردیم - و آن این است که زمان از حجت الهی خالی نمی‌شود و صحیح نیست که حجت بدون آن که فردی را به نیابت تعیین کند، غائب شود و هنگامی که بدون آن که فردی را به طور علنی تنصیب کند، غائب شود، در آن حال همه مردم مُقَصَّر بوده و از حق منحرف شده‌اند و کسی که قابلیت پذیرش روش الهی صحیح داشته باشد، وجود ندارد. در این حال با تعیین فرستاده یا نائب، حجت اقامه می‌شود. اما به دلیل عدم وجود پذیرنده از او خواسته نمی‌شود که مردم را آگاه سازد و با آن‌ها مرتبط شود.

بدین صورت، حال امت مؤمن به خلفای خدا در برهه‌ی زمانی خواهد بود: (يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُولِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) (ای اهل کتاب! رسول ما، پس از فاصله‌ای میان پیامبران، به سوی شما آمد؛ در حالی که حقایق را برای شما بیان می‌کند؛ تا مبدا (روز قیامت) بگویند: «نه بشارت‌دهنده‌ای به سراغ ما آمد، و نه بیم‌دهنده‌ای!» بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده، به سوی شما آمد! و خداوند بر همه چیز تواناست.)

و احوال افراد این امت کارشان موقوف به فرمان خدا خواهد بود (وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ)، (و گروهی دیگر، موقوف به فرمان خدایند؛ یا آن‌ها را عذاب می‌کند، و یا توبه آنان را می‌پذیرد؛ و خداوند دانای سنجیده کار است!).

همانند احوال حنفی‌ها قبل از بعثت پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و همانند احوال شیعه قبل از بعثت مهدی اول که در وصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذکر شده است.

در کتاب غیبت نعمانی، به نقل از شعیب از ابی حمزه، گوید:

“دخلتُ علیٰ أبی عبد الله (علیه السلام) فقلتُ له:

أنتَ صاحبُ هذا الأمرِ؟ فقال: لا.

فقلتُ: فولدُک؟ فقال: لا.

فقلتُ: فولدُ وِلدِک؟ فقال: لا.

قلتُ: فولدُ وِلدِ وِلدِک؟ قال: لا.

قلتُ: فمن هو؟

قال: الذی یملاها عدلاً كما ملئتُ ظلماً وجوراً، لعلی فترةٍ من الأئمةِ یأتی كما أن النبیَّ (صلی الله علیه و آله) بعثَ علی فترةٍ من الرسل.

به خدمت حضرت صادق (علیه السلام) رسیدم و عرض کردم:

“صاحب الأمر شما هستید؟ فرمود: خیر.

عرض کردم: فرزند شماست؟ فرمود: خیر.

عرض کردم: فرزند فرزند شماست؟ فرمود: خیر.

عرض کردم: فرزند فرزند فرزند شماست؟ فرمود: خیر.

عرض کردم: پس او کیست؟

فرمود: او کسی است که زمین را پر از عدل کند آن چنان که پر از ظلم و ستم شود. و در برهه‌ی زمانی پس از ائمه خواهد آمد؛ همان گونه که پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از برهه‌ی زمانی میان پیامبران مبعوث شد.“

خلاصه: هیچ روشی وجود ندارد که ساحت الهی را از تقصیر و کوتاهی مُنزه بدارد و همچنین با آیه‌ی اکمال دین مطابقت داشته و با آن متعارض نباشد، به جز روشی که ما آن را مطرح کردیم و آن این است که زمان خالی نخواهد شد از:

- حجتی آشکار که با مردم به طور مستقیم در ارتباط باشد،
- یا از طریق سفیرانی در صورت وجود مانع،
- یا حجتی غائب که با مردم در ارتباط نمی‌باشد که در این صورت این زمان، برهه‌ی زمانی است به دلیل عدم وجود عده‌ای که قابلیت پذیرش او را داشته باشند که مؤمنین در این امر مقصر بوده و حال آن‌ها موقوف به فرمان خداست.

و الحمد لله رب العالمین

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته

سید احمد الحسن علیه السلام

۳۰ رجب ۱۴۳۶ هـ ق

سه شنبه، ۲۹/ اردیبهشت ماه / ۱۳۹۴

راه ارتباط با دعوت یمانى موعود سید احمد الحسن

(ع) به زبان فارسی:

لینک سایت رسمی انصار امام مهدی (ع) به زبان فارسی

<http://almahdyoon.co>

لینک سایت رسمی هفته نامه ی زمان ظهور

<http://www.zamanezohoor.com>

آدرس روم مسنجر انصار امام مهدی (ع) در پالتاک

Paltalk > Asia and pacific > Iran > lil Ansar Emam Mahdi 10313 lil

صفحه رسمی مکتب شریف نجف اشرف به زبان فارسی

<https://www.facebook.com/ALnajafALashraf313>